

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

محمد ناصر «مستجاب»

بلغاریا؛ ۸ جولای ۲۰۱۵

جنال تدوین قاموس دری

از زمانی که مسأله تدوین قاموس زبان دری سر زبانها افتاده، بسیاری علاقه مندان بدان توجه کرده و جر و بحث‌ها را در زمینه تعقیب می‌نمایند. من هم که یکی از علاقه‌گیران می‌باشم، هرروز به وبسایتهای «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و «افغان جرمن آنلاین» سر زده و خود را در جریان قرار می‌دهم. از خلال نوشته‌های آقای انجنیر معروفی و جناب سید هاشم سدید برایم واضح شد، که طرح اولی این مسأله به ابتکار جناب سدید و تأیید انجنیر معروفی صورت گرفته بود و آن هم چار سال پیش در پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان». به قرار نوشته‌های این دو نویسنده عزیز، که طراحان اصلی این مسأله نیز می‌باشند، در آن وقت اشخاص کمی بدین نکته بس مهم علاقه گرفتند و با وجودی که اعلامیه «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» چندین ماه در معرض مطالعه خوانندگان قرار داشت، جوش و خروش ظاهری امروز به مشاهده نرسید.

بعد دیدیم که در ماه می سال جاری داکتر صاحب استاد هاشمیان وارد میدان شده و در حالی که خود و جناب معروفی را واجد سرپرستی چنین پروژه ای می‌دانست، تیمی را پیشنهاد کرد. و این سرآغاز جنال بود. چون اگر چنانکه جناب شان می‌فرمایند، که دو نفر - یکی داکتر سید خلیل الله هاشمیان و دیگری انجنیر خلیل الله معروفی - صلاحیت تدوین چنین کاری را دارند، چرا جناب هاشمیان موضوع را با جناب معروفی در میان نگذاشت، تا مشترکاً تیمی را انتخاب میکردند؟ نتیجه منطقی را که می‌توان ازین نکته گرفت، اینست که آقای هاشمیان از اول دعوای رهبری این پروژه را در سر داشت و میخواست این پروژه به نام خودش ثبت تاریخ گردد و فکر کنم که کشیدن پای آقای انجنیر معروفی بدین پروژه، فقط و فقط استفاده ابزاری از فهم نظری و اندوخته‌ها و تجارب عملی و کاری وی در زمینه بوده و می‌باشد.

حدس میزنم که ملحوظات جدی و مختلفی در میان بوده، که نه جناب معروفی و نه جناب سدید و نه جناب ولی احمد نوری، که هر سه تن درین زمینه مهارت لازم را به هم رسانده اند، به موضوع واقعی نگزارده و پای خود را پس کشیدند. در واقعیت امر کنار رفتن این سه تن، خود باعث به بنیست رسیدن این پروژه شده است. ولی موضوع هنوز در جریان است و اشخاص بسیاری در

زمینه ابراز نظر کرده اند و خوشتر اینکه جناب هاشمیان هرچند روز به جواب چند نظر می پردازد و خود را در نقش مسئول و سرپرست و کارفرمای کل این پروژه می داند. این امر متأسفانه از خودخواهی ذاتی جناب هاشمیان نشأت می کند، که به صورت غریزی در نهادشان نهاده شده است. بعد دیدیم که با کنار رفتن آن سه تن دیصلاح، جناب هاشمیان ستون فقرات و تیم ضربه خود را در وجود دو نفر، که هیچکدام ایشان کوچکترین صلاحیت در زمینه ندارد، معرفی کرد. در واقعیت امر جناب هاشمیان از اول وهله کار را به بیراهه کشاند و سنگ تهاب را کج نهاد و با تکرار مکرر اشتباهات، شرایطی را به جود آورد، که اصل پروژه را زیر سؤال برد. این نظر شخص خود من است و خدا کند که درست نباشد. اما ظواهر موضوع جای برای استنتاج دیگری نمی گذارد.

در میان نظردهندگان دریچه نظرگیری «افغان جرمن آنالین» متأسفانه به نظری برنخوردم، که از قلب یک انسان جدی، باصلاحیت و کارآگاه برخاسته باشد. نظریات همه و همه بر روی احساسات و انگیزه های غیر مسلکی استوار بوده و هیچ نکته اساسی در آنها سراغ نمی شود. درین میان دیدیم، که جنگهای لفظی و درگیری های شخصی هم صورت گرفت و اولین کسی که این جنگ و نزاع را دامن زد، آقای غلام انصاری بود، که بدون تأمل دو طرف قضیه را «دزد» قلمداد کرد، که بر سر خری به جنجال افتاده اند.

با وجودی که جناب انصاری خود را داکتر امراض روانی و نیروولوژی یا نیروبیولوژی معرفی کرده و در وصف و مدح خود بسیار داد سخن داده است، برداشت شخص من از نظرات پریشان وی اینست، که آقای انصاری خود تقرر و تمرکز فکری ندارد - موقف گرفتن های ضد و نقیض و پرخاشگرانه وی در زمینه این نکته را به نکوئی به اثبات میرساند.

اما هنوز گپ آخر زده نشده و باید منتظر انکشاف اوضاع بود. امیدوارم که هرچه رخ دهد، به خیر مردم و به نفع فرهنگ دیرپای وطن عزیز ما باشد. والسلام

(م. ناصر مستجاب - بلغاریا - هفتم جولای ۲۰۱۵)